

سید احسان حسینی: | ۵ سیاست تضمینی برای افزایش صادرات نفت ایران در تحریم

برجام به عنوان یک توافق ذاتا ناپایدار نمیتواند نسخه اصلی در مواجهه با تحریم نفتی باشد، به خصوص اینکه در دوره اجرای برجام، لو رفتن شبکه فروش نفت ایران در شرایط تحریم منجر به افت غیرمتعارف رقم صادرات بعد از خروج آمریکا شد.



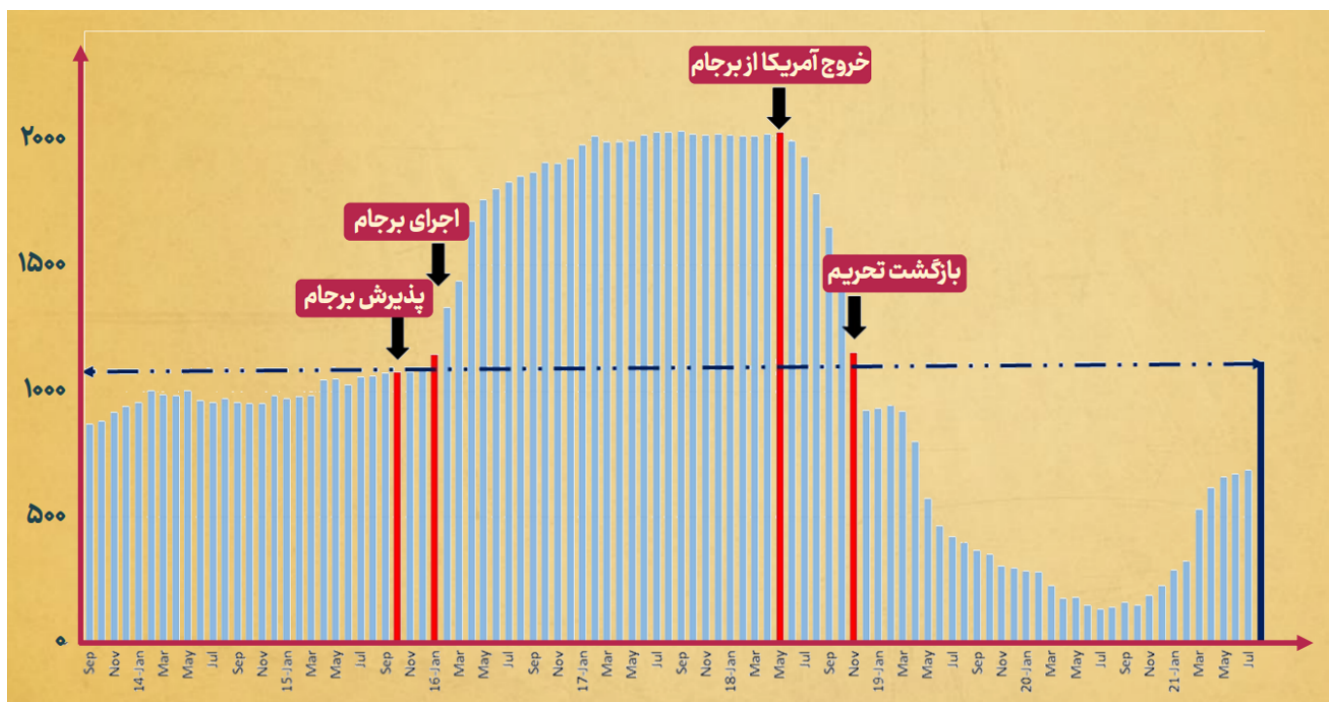
سید احسان حسینی: ایران به عنوان یک کشور نفتی که اقتصاد آن وابستگی زیادی به درآمدهای صادرات نفت و محصولات نفتی و توسعه صنعت نفت به عنوان لکوموتیو اقتصادی کشور دارد، از سال 90 با تحریمهای نفتی آمریکا و اتحادیه اروپا مواجه شده است و سالانه از مسیر توسعه فاصله میگیرد.

اینکه آیا ایران میتواند با مدل توسعه قطری و عربستانی به معنای خامفروشی محصولات هیدروکربوری و سرمایهگذاری درآمد حاصله در بخشهای مختلف به توسعه دست یابد، موضوع مجزایی است اما آنچه مبرهن بوده، این است که تداوم جریان صادرات نفت و درآمدهای نفتی حداقل برای اداره کشور و تامین بودجه دولت ایران لازم و ضروری است.

*افزایش «ناپایدار» صادرات نفت با اجرای برجام

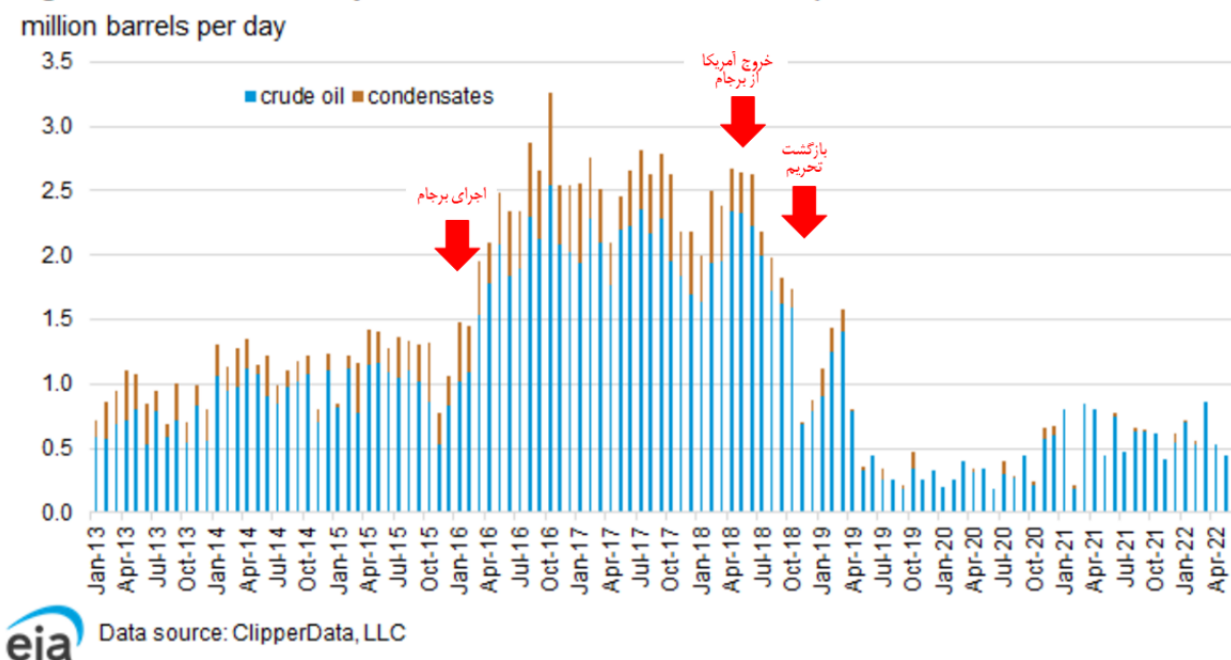
راهکار اصیل مواجهه با تحریم نفتی چیست؟ شاید در ابتدای کار این پاسخ به ذهن متبادر شود که مذاکره با آمریکا و رفع تحریم‌ها راهکار صحیح برای افزایش صادرات نفت و درآمد نفتی ایران است. کما اینکه تجربه 2 الی 3 ساله اجرای برجام نیز نشان داد که رقم فروش نفت ایران به حدود 2 میلیون بشکه در روز رسید.

تصویر 1 صادرات نفت ایران طبق آمار اوپک را نشان می‌دهد که با اجرای برجام افزایش یافت. در تصویر 2 نیز رقم صادرات نفت ایران طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا آورده شده است.



تصویر 1

Figure 4. Iran's monthly crude oil and condensate exports



تصویر 2

هما‌نطور که مشاهده می‌شود هر چند توافق با آمریکا در قالب برجام توانست برای مدتی صادرات نفت ایران را به حالت ایده‌آل بازگرداند، اما با خروج آمریکا از برجام مجدداً رقم فروش نفت ایران افت چشمگیری کرد و حتی به رقم یک میلیون بشکه قبل از اجرای برجام نیز نرسید و به کمتر از 400 هزار بشکه و حتی ارقامی نزدیک به 100 هزار بشکه در روز کاهش یافت.

در نتیجه برجام به عنوان یک توافق ذاتاً ناپایدار نمی‌تواند نسخه اصلی در مواجهه با تحریم نفتی باشد، به خصوص اینکه در دوره اجرای برجام با لو رفتن زیرساخت دور زدن تحریم‌ها عملاً شبکه فروش نفت ایران در شرایط تحریم از بین رفته و منجر به افت غیرمتعارف رقم صادرات نفت ایران بعد از خروج آمریکا شد.

*راهکار مقابله با تهدیدهای خارجی در بازار نفت

به این موضوع باید توجه داشت که «تحریم» تنها تکانه خارجی بر جریان صادرات نفت یک کشور نیست و در بازار نفت اتفاقات متعددی منجر به افت صادرات نفت کشورها می‌شود. از جمله این اتفاقات می‌توان به جنگ روسیه و اوکراین و حضور تهاجمی نفت روسیه به بازار هند و چین اشاره کرد که سهم سایر کشورها از بازار نفت این دو کشور را تهدید کرد.

یا از دیگر تکانه‌های خارجی می‌توان به شیوه کرونا و تهدید بازار نفت همه کشورها اشاره کرد. البته باید توجه داشت که طبق آمار ورتکسا و کپلر افت شدید صادرات نفت ایران در دوره بعد از خروج آمریکا قبل از شیوع همه‌گیری کرونا رخ داده است (تصویر 3).

Iran Exports Surging Nation's oil flows



تصویر 3

در نتیجه اگر «تحریم» را به عنوان یک تهدید و تکانه خارجی بر جریان صادرات نفت ایران ببینیم، بدین ترتیب این سوال پیش می‌آید که کشورهای دیگر صادرکننده نفت چگونه جریان فروش نفت خود را در برابر تکانه‌های خارجی همچون «تحریم»، «جنگ روسیه و اوکراین»، «کرونا» و سایر عوامل ایمن‌سازی می‌کنند؟

با مطالعه و الگوبرداری از سیاست سایر صادرکنندگان می‌توان مدلی برای مواجهه با تحریم نفتی علیه ایران تعریف کرد و اینجاست که ادبیات [بازارسازی نفت](#) به عنوان راهکاری اصیل برای ایمن‌سازی جریان صادرات نفت مطرح می‌شود.

البته هدف از این نوشته نقد و بررسی برجام نیست، بلکه نکته این است که اگر در فضای برجامی نیز تمرکز ایران بر بازاریابی نفت شکل می‌گرفت، روند افزایشی فروش نفت ایران به صورت پایدار و نه ناپایدار رخ می‌داد و تحریم ترامپ به عنوان یک تکانه خارجی اثر مخرب کمتری بر فروش نفت ایران می‌گذاشت.

*بازارسازی نفت چیست؟

بازارسازی نفت مجموعه‌ای از سیاست‌هاست که جریان صادرات نفت یک کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی تاثیرگذار بر بازار نفت ایمن‌سازی می‌کند. در واقع با اجرای این سیاست‌ها دیگر حفظ جریان صادرات نفت، فقط دغدغه کشور صادرکننده نفت نیست بلکه کشور واردکننده نفت نیز به دنبال حفظ این جریان و جلوگیری از آسیب‌رسانی به آن در برابر تکانه‌های خارجی است.

بدین ترتیب وقتی سیاست‌های بازارسازی نفت توسط ایران اجرایی شود، دیگر فروش نفت دغدغه صرف ایران نیست بلکه خریدار نفت نیز به دنبال دور زدن تحریم، بی‌اثربازی آن و یا اخذ معافیت از آمریکاست. این موضوع سبب می‌شود که آسیب‌پذیری جریان صادرات نفت در برابر تحریم کمتر شود.

طبیعی است که هر چه مولفه‌های قدرت یک کشور بیشتر باشد، امکان اجرای سیاست‌های بازارسازی نفت و انعطاف‌پذیری آن در برابر تحریم بیشتر است. به عنوان مثال کشور روسیه نسبت به ایران و کشور ایران نسبت به ونزوئلا می‌توانند بازارسازی نفت را به صورت موثرتری اجرایی کنند. همچنین زمان واکنش به تحریم نیز بر اثرگذاری بازارسازی نفت موثر است و این واکنش هر چه سریع‌تر و یا پیشگیرانه‌تر باشد، موثرتر خواهد بود.

*سیاست‌های بازارسازی نفت چیست؟

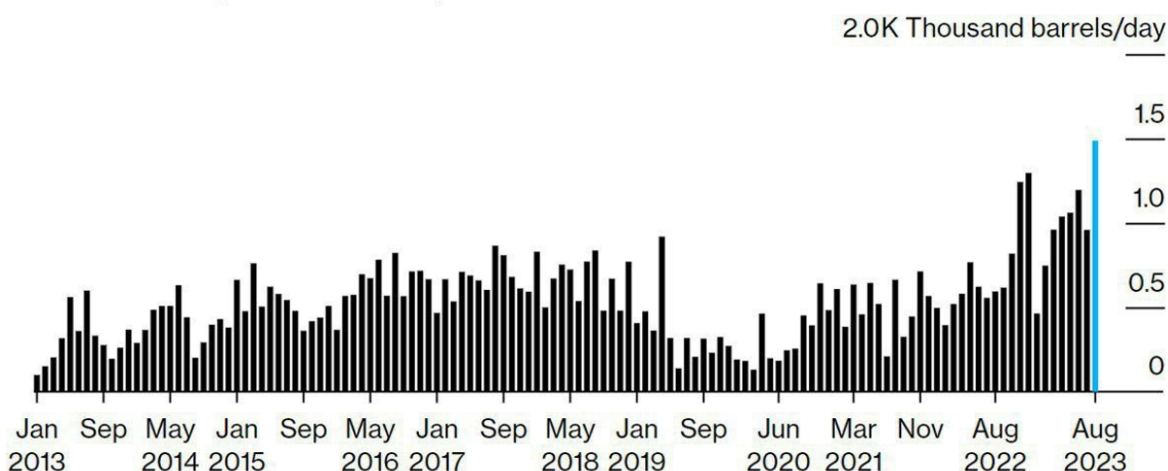
سیاست‌های متعددی ذیل بازارسازی نفت تعریف می‌شوند که در موارد بسیاری به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ادامه تعدادی از این سیاست‌ها توضیح داده می‌شود:

شراکت استراتژیک strategic partnership : در این سیاست تعاملات نفتی دو کشور ذیل یک سند راهبردی بلندمدت شکل می‌گیرد که از جمله محورهای آن موضوع فروش نفت است. با اجرای این راهکار، کشور صادرکننده نفت با تعریف خود به عنوان بخشی از پازل توسعه قدرت‌های بزرگ، جریان صادرات نفت خود را به آن کشور تضمین می‌کند.

نمونه‌ای از این مدل را می‌توان در سند همکاری 25 ساله ایران و چین تعریف کرد که هر چند تاکنون به دلایل سردرگمی طرف ایرانی به خوبی اجرایی نشده اما آثار آن بر جریان صادرات نفت ایران کاملاً مشهود است. تصویر 4 میزان صادرات ماهانه و سالانه نفت ایران به چین را

طبق آمار موسسه کپلر نشان می‌دهد.

■ China's monthly Iranian crude imports



Source: Kpler

Note: Kpler data may be revised at a later date depending on the cargo discharges

تصویر 4

[طبق آمار کپلر](#) با امضای سند همکاری 25 ساله، صادرات نفت ایران به چین از سال 2021 افزایشی شد و از رقم 324 هزار بشکه در سال 2020 به ارقام 585، 766 و 991 هزار بشکه به ترتیب در سال‌های 2021، 2022 و 2023 رسید.

خرید تقاضا Buy demand: در این روش، کشورهای صادرکننده نفت با سهامداری در پالایشگاه‌های فراسرزمینی، جریان صادرات نفت خود به آن پالایشگاه را در برابر تکانه‌های خارجی ایمن می‌کنند. به عنوان مثال کشور روسیه با سهامداری در پالایشگاه وادینار هند توانست بعد از اعمال تحریم‌های غرب، هند را به یکی از مقاصد اصلی نفت خود تبدیل کند.

باید توجه داشت که در این مدل، سهامداری در پالایشگاه فراسرزمینی باید در کشورهایی صورت بگیرد که همسو با سیاست‌های تحریم‌کنندگان نیستند و تبعیت کمتری دارند. به عنوان مثال هر چند هند همسو با سیاست تحریمی غرب علیه روسیه نیست اما از تحریم‌های آمریکا علیه ایران پیروی می‌کند، در نتیجه هند گزینه مطلوبی برای ایران جهت سهامداری و حضور در پالایشگاه‌های این کشور نیست.

اما هم‌اکنون ایران برای سهامداری در 12 پالایشگاه فراسرزمینی

اقدام کرده است که فعلا در یک مورد آن، یعنی حضور در پالایشگاه الپالیتو ونزوئلا و صادرات نفت و میعانات گازی به آن موفق بوده است. در تصویر 5 و 6 اسامی پالایشگاه‌های فراسرزمینی که ایران برای آنها اقدام کرده، آورده شده است.

نام پالایشگاه	کشور	ظرفیت (هزار بشکه)	سرمایه‌گذاری / ارزش قرارداد	وضعیت	سود و فرصت
الپالیتو	ونزوئلا	۱۴۰	۱۱۰ میلیون یورو	امضای قرارداد اردیبهشت ۱۴۰۱ - پیشرفت ۷۰ درصدی پروژه	صادرات روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت ایران - صادرات ۳ میلیون تجمیز از ۱۶۰۰ شرکت ایرانی
کاردون	ونزوئلا	۳۱۰	۴۶۰ میلیون یورو	نهایی شدن قرارداد	فرصت صادرات ۱۵۰ هزار بشکه نفت ایران
سینفونگس	کوبا	۶۵	—	در حال مذاکره	فرصت صادرات ۲۵ هزار بشکه نفت ایران
هویمما	اوگاندا	۶۰	۳ میلیارد دلار	در حال مذاکره	فرصت صدور خدمات فنی و مهندسی
رویای آرمانی بولیوار	نیکاراگوئه	۱۵۰	۴۰۷ میلیارد دلار	امضای تفاهنامه	فرصت اخذ حق امتیاز معادن طلا و سهامداری در پالایشگاه
الفرقلس	سوریه	۱۴۰	—	اتمام طراحی و متوقف در فرآیند مناقصه	—
بخارا و فراغنه	ازبکستان	۲۳۰	—	در حال مذاکره	فرصت صادرات ۱۱۵ هزار بشکه نفت ایران

تصویر 5- پالایشگاه‌های فراسرزمینی غیر از آفریقای جنوبی

South African refinery ownership and crude throughput		
Name	crude throughput	ownership
Crude oil refined at the following refineries:		
Chevref	100,000 barrels per day	Chevron South Africa
Enref	120,000 barrels per day	Engen Petroleum
Natref	108,000 barrels per day	Sasol/ Total South Africa (64% , 36%)
Sapref	180,000 barrels per day	Shell South Africa/ BP Southern Africa (50% , 50%)

تصویر 6- پالایشگاه‌های فراسرزمینی در آفریقای جنوبی
<http://fna.ir/3eo5ws>

موفقیت در نوسازی پالایشگاه الپالیتو ونزوئلا منجر به صادرات روزانه 100 هزار بشکه نفت خام ایران و صادرات ماهانه 2 میلیون بشکه میعانات گازی ایران به ونزوئلا شده است و درآمدزایی حدود 4.5 میلیارد دلار در سال در پی داشته است.

تجارت سربه‌سر Total trade: در این روش دو کشور صادرکننده و واردکننده نفت به تراز تجاری سربه‌سر می‌رسند. یعنی کشور صادرکننده نفت همانقدری که به کشور واردکننده صادرات دارد، از آن کشور واردات محصولات موردنیاز نیز انجام می‌دهد. به طور کلی در حالت تراز تجاری صفر، تعاملات اقتصادی دو کشور اعم از نفتی و غیرنفتی در حالت پایداری نسبت به نوسانات بازار نفت و تکان‌های خارجی قرار می‌گیرد.

محمدامین راد کارشناس انرژی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس با اشاره به چگونگی اثرگذاری سیاست تجارت سربه‌سر بر تضمین جریان صادرات نفت عنوان کرد: با اعمال تحریم نفتی علیه کشور صادرکننده نفت و کاهش صادرات نفت آن کشور، امکان تسویه با کشور واردکننده در سازوکار تراز تجاری از بین می‌رود. در نتیجه با این اتفاق صادرات کشور واردکننده نفت نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و این انگیزه ایجاد می‌شود که یا کشور واردکننده در دور زدن تحریم با کشور تحریم‌شده همراهی کند و یا معافیت آمریکا را اخذ کند.

وی افزود: به عنوان مثال اگر ایران مابه‌ازای صادرات نفت به هند، کالاهای کشاورزی وارد می‌کرد، قطع جریان صادرات نفت ایران به هند به معنای قطع جریان صادرات کالای کشاورزی هند به ایران بود که این موضوع منافع کشاورزان هندی را تخریب کرده و آنها را به زیان‌های عدم همراهی هند با تحریم آمریکا تبدیل می‌کرد.

افزایش 100 درصدی صادرات نفت روسیه به ترکیه بعد از اعمال تحریم‌های غرب و افزایش واردات کالا و تجهیزات از ترکیه از نمونه‌های بازارسازی نفت با روش تجارت سربه‌سر است.

تسری Spillover: در این سیاست، کشور صادرکننده نفت از یک مزیت غیرنفتی خود در همکاری با کشور واردکننده، برای افزایش صادرات نفت به آن کشور استفاده می‌کند. به عنوان مثال، کشور هند همکاری گسترده نظامی با روسیه دارد و روسها از این ابزار برای جایگزینی بازار هند با اروپا برای صادرات نفت استفاده کرده است.

تا پیش از جنگ اوکراین، روسها حدود 2 میلیون بشکه نفت به اروپا از مسیر دریا صادرات می‌کردند که از دسامبر سال گذشته و با آغاز تحریم‌های نفتی غرب این عدد به صفر رسیده و تماماً به سمت بازار هند منحرف شده است.

وام نفت Loan for oil: در این روش، بازپرداخت سرمایه‌گذاری انجام

شده در ایران، با صادرات نفت به کشور سرمایه‌گذار تسویه می‌شود. بدین ترتیب در صورت اعمال تحریم، کشور سرمایه‌گذار به خرید نفت از ایران ادامه می‌دهد و انگیزه لازم برای دور زدن تحریم و یا بی‌اثرسازی آن به همراه ایران را دارد.

مشابه این راهبرد در مورد توسعه میادین غرب کارون توسط چینی‌ها و بازپرداخت پول آنها با نفت در دوران تحریم اول انجام شده است. اخیراً نیز رسانه‌ها از قرارداد 2.7 میلیارد دلاری ایران و چین برای توسعه فرودگاه امام خمینی توسط چین در برابر نفت ایران خبر داده‌اند.

طبیعی است که اگر کشورهای صادرکننده نفت، سیاست‌های بازارسازی را قبل از اعمال تکانه‌های خارجی همچون تحریم پیاده‌سازی کرده باشند، آسیب‌پذیری بسیار کمتری در بازار نفت خواهند داشت. البته اجرای این راهکارها در شرایط تحریمی نیز امکان‌پذیر است و ایران می‌تواند با همکاری ذیل منافع مشترک با کشورهای مختلف صادرات نفت خود را افزایش دهد، طبیعی است که در این حالت کار کمی سخت‌تر خواهد شد.